

جایگاه آموزش و جهانی شدن در آرای متفکران مفاخر ایران

حاجی علی شیراوند^۱، حسن شمسینی غیاثوند^۲ و علی فلاح نژاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

چکیده

آموزش محور اصلی زندگی انسان‌ها در همه دوره‌ها بخصوص در عصر جهانی شدن است، چرا که بدون آموزش زندگی در هزاره سوم امکان پذیر نیست. البته باید گفت که آموزش در عصر اطلاعات با خصوصیات نوینی همچون آموزش تعاملی، انتقادی، تأثیرپذیری در زندگی انسان‌ها و سبک زندگی معنا می‌شود. سؤال و هدف محوری این پژوهش تبیین جایگاه آموزش در آرای متفکران جهانی از جمله ایرانی در دوره متأخر است. در جهت تبیین این موضوع و با تحلیل گفتمانی می‌توان گفت که جهانی شدن تأثیرات خاصی بر زندگی شهروندان در همه ابعاد همچون رهاشدگی، کاهش حاکمیت دولت‌ها بر آموزش شهروندان، نقش رسانه‌های نوین در جهت‌گیری زندگی مردم، تحول در سبک زندگی مردم، دگردیسی در ماهیت شغل و هویت ژلاتینی گذاشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که در اندیشه سیاسی متفکران در عصر جهانی شدن با خصوصیات همچون غیردولتی شدن آموزش، تفکر انتقادی، افزایش اهمیت آموزش‌های غیررسمی، انفکاک بین آموزش دانشگاهی و زندگی شهروندی، اقتصادی شدن مقوله آموزش، خصوصی شدن و دیجیتالی شدن صورت‌بندی شده است.

کلیدواژگان: آزادی، آموزش، متفکران، ایران، جهانی شدن؛ اقتصاد پست‌مدرن

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول) yashamsini@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

The position of education and globalization in the opinions of recent Iranian thinkers

Abstract:

Education is the main focus of human life in all eras, especially in the era of globalization, because without education life in the third millennium is not possible. Of course, it should be said that education in the information age is defined by new characteristics such as interactive, critical education, influence in people's lives and lifestyle. The central question and purpose of this research is to explain the place of education in the opinions of global thinkers, including Iranians, in the recent period. In order to explain this issue and with a discourse analysis, it can be said that globalization has certain effects on the lives of citizens in all dimensions, such as abandonment, the reduction of governments' sovereignty over the education of citizens, the role of modern media in the direction of people's lives, changes in people's lifestyles, The transformation in the nature of the job and the gelatinous identity. Therefore, it can be said that in the political thought of thinkers in the era of globalization, with characteristics such as the privatization of education, critical thinking, increasing the importance of non-formal education, the difference between university education and citizen life, the economicization of the education category, privatization and digitization. It is framed

Keywords: Freedom, education, thinkers, Iran, globalization

مقدمه

جدیدترین موج جهانی شدن که در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، توسط اقتصاد دانش هدایت می شود و به نوبه خود، این اقتصاد دانشی توسط جهانی شدن تسهیل می شود. بدون آموزش، اقتصاد دانش در حال فروپاشی است؛ بنابراین هرکسی که از جهانی شدن صحبت می کند، در مورد اقتصاد دانش و آموزش نیز صحبت می کند. عجیب است که نظریه نقش اجتماعی آموزش در ادبیات توسعه بسیار غنی تر و ظریف تر از ادبیات آموزش غربی است. آموزش به عنوان یک سرمایه گذاری فردی در سرمایه انسانی، با بازده مالی بر حسب درآمد آتی، برچسب گذاری کرد، آموزش نیز می تواند به طور گسترده تر به عنوان سرمایه گذاری در نظر گرفته شود. «قابلیت‌هایی» که متعاقباً امکان دستیابی به سطوح بالاتری از عملکرد را در سطوح سلامت، زندگی خانوادگی، مشارکت اجتماعی و غیره فراهم می کند. تحقیقات تجربی زیربنای این موقعیت است و نشان می دهد که سطح تحصیلات بالاتر نیز به تغذیه و سلامت بهتر منجر می شود (به عنوان مثال. پیشگیری از ایدز)، مسکن، آموزش جنسی و غیره (مک ماهون، ۱۹۹۹؛ سایتو، ۲۰۰۳). آموزش نقشی حیاتی برای غلبه بر بسیاری از چالش ها و حفظ صلح در جهان ایفا می کند. چالش‌هایی که بر تمامی عرصه‌های زندگی بشر در جهان تأثیر می گذارند، شرایطی هستند که طبیعتاً در نتیجه پیشرفت سریع علم و فناوری در جریان هستند. اجتناب از آن غیرممکن است، اما باید با استفاده از منابع با کیفیت بالا به ویژه منابع انسانی مقابله کرد. کیفیت معلم کلیدواژه تضمین کیفیت آموزش است. معلمان واجد شرایط قادر نخواهند بود وظایف خود را به صورت حرفه ای بدون شرایطی که وظایف آنها را پشتیبانی می کند انجام دهند.

چارچوب مفهومی

نهاد آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای هر جامعه به شمار می‌رود و معمولاً در قالب دو نوع نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی مورد بحث قرار می‌گیرد. در گفتار حاضر، منظور ما از نظام آموزش و پرورش، به طور مشخص، نظام آموزش و پرورش رسمی در قالب مقاطع پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی است. همه‌ای مقاطع نیاز به یک مدیریت صحیح از جانب نظام آموزشی دارند. برای آموزش و تربیت معلم پویا در جهان جهانی شده قرن بیست و یکم، مؤسسات آموزش و پرورش معلم باید برنامه‌هایی طراحی کنند که به معلمان آینده کمک کند تا عمیقاً بدانند و درک کنند. مجموعه وسیعی از چیزها در مورد آموزش و یادگیری و در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آنها. علاوه بر این، آنها باید بتوانند این درک را در شرایط پیچیده کلاس درس اجرا کنند که به دانش‌آموزان متنوع خدمت می‌کند. اگر قرار است معلم قرن بیست و یکم در این وظیفه موفق شود، مؤسسات آموزش و تربیت معلم باید برنامه‌هایی را طراحی کنند که انواع محیط‌هایی را که هم معلمان

تازه‌کار و هم معلمان باتجربه در آن تدریس می‌کنند، تغییر دهند و به معلمانی شایسته تبدیل شوند. این نشان می‌دهد که شرکت آموزش و پرورش معلمان باید بیشتر و بیشتر گام بردارد و با مدارس در دستور کار تحول متقابل با تمام مبارزات درگیر تعامل نزدیک‌تر داشته باشد. مهم‌تر از همه، مؤسسات آموزش و پرورش معلمان باید مسئولیت آموزش سیاست‌گذاران و عموم مردم را در مورد آنچه که واقعاً برای آموزش مؤثر نیاز است، هم از نظر دانش و مهارت‌های موردنیاز و هم از نظر زمینه‌های مدرسه‌ای که باید ایجاد شود، بر عهده بگیرند. اجازه‌دادن به معلمان برای توسعه و استفاده از آنچه می‌دانند به نمایندگی از دانش‌آموزان خود (فولان، ۱۹۹۳)

منظور از مدیریت در سازمان‌های آموزشی، تحقق هدف‌های آموزشی و پیشبرد مؤثر آموزش و یادگیری است. مدیریت آموزشی عبارت از برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل کلیه امور و فعالیت‌های آموزش و پرورش است. مدیریت آن بخش از فعالیت‌های سازمان‌هایی آموزشی که مستقیماً با امر آموزش و پرورش و یادگیری مرتبط است، از جمله، فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی، مواد و محتوای دروس، روش‌ها و وسایل آموزشی، مشاوره و راهنمایی تحصیلی، اقدامات آموزشی و پرورشی مکمل برنامه، امور معلمان و دانش‌آموزان. در کل مدیریت آموزشی عبارت است از: "تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات درباره آموزش و پرورش است. (هوشمند، ۱۳۸۲: ۱۶۸)

نظام آموزشی دستخوش سه معضل است که باید با آنها مبارزه کنیم: فراوانی اطلاعات، واپس‌گرایی و عدم تناسب. بر خلاف گذشته آموزش و پرورش امروز و آینده به معنای فرایند دائمی یادگیری توسط هر انسان و هر جامعه است. یکی از اهداف تازه آموزش و پرورش یادگیری تغییر است. کسب دانش، پرورش هوش، استعداد، شناخت خود و آگاهی از موهبت‌ها و استعدادهای خویش، به کار انداختن قوای ذهنی خلاق و پر تخیل، غلبه بر انگیزه‌های نامطلوب و ویرانگر، ایفای نقش مسئولانه و... از جمله هدف‌های آموزش و پرورش نوین است. (کینگ و اشنایدر، ۱۹۹۰) در دومین کتابی که حاوی ۵۴ مقاله در مورد آموزش و پرورش نوین توسط شعبه اروپایی مؤسسه مطالعات قرن ۲۱ مستقر در سوئد منتشر شد، آمده است:

- (۱) اهمیت دادن به کارهای جمعی و گروهی که توسط افراد بومی انجام می‌پذیرند؛
- (۲) پشتیبانی وسیع مالی از طریق نهادهای مختلف که می‌تواند استمرار تأمین مالی را تضمین کند؛
- (۳) جلب مشارکت وسیع که بتواند معرف نقطه-نظرات همه گروه‌ها باشد؛
- (۴) دربرگیری تمامی بخش‌های کلیدی و توجه ویژه به روابط بین آنها که در آینده نقش مهمی خواهند داشت؛

- ۵) مطالعه چشم‌اندازهای درازمدت به جای توجه به مسائل کوتاه‌مدت؛
- ۶) مطالعه روابط متقابل بین کشورهای جهان در همه زمینه‌ها؛
- ۷) بررسی راهبردهای پایدار از نظر اقتصادی اجتماعی و زیست-محیطی؛
- ۸) بررسی و مطالعه مقوله‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی و ارزشیابی کفایت نهادهای ملی برای پرداختن به آنها؛
- ۹) شفاف‌کردن هدف-های تحقیق و برگزیدن شیوه‌های مناسب علمی؛
- ۱۰) بررسی چگونگی کاربست نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات به ترتیبی که توجه عموم را برانگیزاند و به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات عملی منجر شود.

موضوعات دیگری از قبیل: هدایت اجتماعی، تغییرات محیط سیاسی، الگوهای اقتصادی وابسته به هم تقاضاهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، تغییر در فرهنگ، محیط‌زیست و فناوری. علاوه بر اینها به اندیشه‌های چاره-جویانه برخی از کشورها در رابطه با مسائل فوق اشاره می‌کند که نشان‌دهنده ضرورت توجه به آموزش و پرورش نوین است. (گارت، ۱۹۹۱). برخی معتقدند که جهانی شدن و امکان دسترسی به آموزش جهانی می‌تواند باعث رشد شخصیت‌های چندبعدی گردد که در زمینه‌های مختلف دانش و مهارت کسب نموده و از این رو امکان موفقیت آنها در مشاغل مختلف بالاست و قادرند در صورت لزوم، حیطة کاری خود را تغییر داده و باتکیه بر دانش‌ها و مهارت‌های چندبعدی خود در عرصه رقابت‌های بین‌المللی پابرجا بمانند (Walker & Sundaran, ۲۰۰۰). از سوی دیگر برخی اعتقاد دارند که جهانی شدن آموزش و پرورش مانند سایر ابعاد جهانی شدن چون متأثر از فلسفه نئولیبرال است منجر به خصوصی شدن آموزش می‌گردد و این امر با شعار پرورش انسان‌های توانمند چندبعدی مغایرت خواهد یافت. زیرا در این صورت، مستعدان بی‌سرمایه که توانایی استفاده از بخش خصوصی را ندارند در عرصه رقابت‌های بین‌المللی جایی نخواهند داشت. (Vargas, ۲۰۰۰)

نظریه اطلاعاتی

نظریاتی است که به تحولات در نهادها و بازیگران غیردولتی و افزایش یا کاهش نقش و تأثیر آنها در عصر انفجار اطلاعات اشاره می‌نمایند، در مورد سطح اول در این جا به دو مورد اشاره می‌شود، یکی نظریه گیدنز و دیگری نظریه جوزف نای که هر یک از زوایای متفاوتی تأثیر اطلاعات را در ساخت دولت ملی مورد ملاحظه قرار داده‌اند، در این رابطه آنتونی گیدنز به نقش اطلاعات در ساختار دولت ملی اشاره می‌نماید. وی اطلاعاتی شدن جامعه را فرایندی مربوط به آغاز و پیدایش جوامع مدرن و نه پایان قرن ۲۰ می‌داند. از نظر گیدنز دولت‌های ملی به خاطر این که لاقط می‌بایست اعضای خود را بشناسند (و الزاماً آن‌هایی را که به آن متعلق نیستند) از همان آغاز استقرار جوامع اطلاعاتی اند. گیدنز باور دارد

که دولت‌های ملی می‌بایست تسلط خود را هم بر «منابع تخصیص دهنده» (برنامه ریزی و مدیریت) و هم بر منابع اقتدار [قدرت و نظارت] حفظ کنند. و معتقد است در عین حال که این منابع در دولت مدرن گرایش به تمرکز دارند، نظارت کار او مؤثر نیاز دو هر دو این‌ها است (وبستر، ۱۹۹۵، ص ۱۰۲)

مسئله بعدی مربوط به نقش اطلاعات در پیدایش دولت‌های مدرن است. نکته این است که اکثریت قاطع دولت‌های ملی در وضعیت جنگی پدیدآمده‌اند و تمام آنها با برخورداری از قدرت دفاعی قابل‌اطمینان باقی‌مانده‌اند. آمادگی برای جنگ پیش‌نیازی است برای تمام دولت‌های ملی، اصلی که به طور مکرر در سراسر تاریخ نوین آزمایش شده است. (Giddens ۱۹۸۵, P۱۷۸) از نظر گیڈنز عامل مسلط در شکل‌گیری دولت‌های مدرن کارایی نیروی نظامی و ارتش آنها بوده است و برخورداری از فناوری‌های اطلاعاتی موجب ارتقای سطح نظامی‌گری دولت‌ها بوده است. امروزه نقش فن‌آوری اطلاعات بسیار گسترده‌تر از قبل در این رابطه مؤثر است. از نظر وی، جنگ دفاعی مدرن اساساً درباره ی اطلاعات است. خواه موضوع ساختن هوش در سلاح‌های هوشمند مثل موشک‌های گروز باشد، خواه مساله عرضه ی تجهیزات، ضد تجهیزات و... اطلاعات هسته‌ی مرکزی امور نظامی مدرن است (وبستر، ۱۳۸۲، ۱۲۴) علاوه بر این دولت ملی با داشتن اطلاعات انحصاری حق نظارت تام بر شهروندان را به دست آورده است. نوع دیگر تحلیل مربوط به ارتباط انقلاب اطلاعاتی و دولت ملی از آن جوزف نای است. نای از منظری دیگر به تحلیل این مقوله مبادرت ورزیده است. از نظر وی مهم‌ترین تأثیر انقلاب اطلاعاتی، قدرت بخشیدن به بازیگران غیردولتی در عرصه ی فراملی است. در کل می‌توان گفت انقلاب اطلاعاتی موجب کاهش قدرت دولت ملی از چند وجه شده است و آن را تحت تأثیر قرار داده است. اولین و مهمترین مساله، تغییر ساختار بین‌المللی است. نکته ی بعدی، تغییر حاکمیت دولت‌ها است و در نهایت تغییر بازیگران در عرصه ی سیاست خارجی توسط وی مورد توجه قرار گرفته است.

تحلیل پیرامون تأثیرات سیاسی انقزال اطلاعاتی به مباحثی چون توسعه یا محدودیت در اموری از قبیل حقوق شهروندی، آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی و حوزه عمومی اختصاص می‌یابد. دانشمندان زیادی پیرامون این سوال تحقیق نموده‌اند که آیا انفجار اطلاعات و گسترش دستیابی انسان‌ها به اطلاعات منجر به بهبودی حقوق و آزادی‌های سیاسی شده است یا نه و اصولاً در سطحی بالاتر آیا این اطلاعات حقیقتاً به صورت اطلاعات ناب و خالص بدون دستکاری در اختیار شهروند جهانی قرار می‌گیرد و موجب شکل‌گیری یک آگاهی بی‌طرفانه می‌شود یا خیر؟ پاسخ به این سوالات به دو شکل کاملاً متضاد ارائه شده است: نظریات مطلقاً خوش‌بینانه‌ای وجود دارند که گسترش ارتباطات را عمدتاً زمینه‌ساز رشد حقوق و آزادی‌های سیاسی فرد انگاشته‌اند که عمدتاً پایگاهی نئولیبرال دارند. دسته ی دیگر نظریات که بسط‌دهنده ی بدبینانه ی غالباً پست‌مدرنی از گسترش اطلاعاتند و مدعی دستکاری شدن اطلاعات و محدودیت آزادی‌های فردی در محیط گیج‌کننده‌ای از شبکه اطلاعاتی است که

دارای جهت دهی و اغراض خاص هستند. افراد مانند شیلر معتقدند، انقلاب اطلاعاتی با گسترش آرمان های آزادی، قرار دادن قدرت های ستمگر در وضعیت تدافعی یا طرد آنها از عرصه ی داد و ستد و کمک به جوامعی که دچار فقر مزمن هستند، محیط امنیت بین المللی را بهبود می بخشد. فن آوری اطلاعات کشورهای دموکراتیک جهان را نیرومند و یکپارچه می کند و به گونه ای امیدبخش، امنیتی بسزا را در سیاره ی زمین برقرار خواهد کرد (وبستر، ۱۳۸۲، ۲۳۹) از نظر وی یک پیوند قوی علی بین دسترسی به اطلاعات و خواست آزادی وجود دارد. این امر یک اندیشه بسیار قدیمی دموکراسی غربی را تقویت می کند که بر اساس آن دادن اطلاعات به مردم موتور مشروعیت بخش به دولت است دیگر پژوهش های تجربی جدید تایید می کند که افزایش آزادی های اقتصادی گرایش طبقه متوسط رو به رشد را برای کسب حقوق دایمی و ثابت افزایش می دهد که این امر سیاست ها و دوره ی تصدی هیات حاکمه را به چالش می کشد. شهروندان از راه فن آوری اطلاعاتی از وقایعی آگاه می کردند که در داخل و خارج کشورشان رخ می دهد. در نتیجه فن آوری های اطلاعاتی، دولت های نامشروع را در برابر سه گزینه قرار می دهد:

علاوه بر این، در سطح فرا ملی، شاهد شکل گیری مفهوم شهروند جهانی هستیم، بسیاری از شهروندان در چنین وضعیتی، برای خود هیچ هویت ملی قایل نیستند بلکه به گونه ای روز افزون به عنوان یک شهروند جهانی عمل می کند. شهروندان با استفاده از فن آوری های نوین اطلاعات قادرند در سراسر جهان بر سر مسایل مختلف چون اتحادیه های تجاری، محیط زیست، حقوق بشر، دین و... با یکدیگر به بحث پرداخت و تشریح مساعی داشته باشند. اما برای تحقق کامل چنین مفهومی موانعی چند وجود دارد. اولین مانع، اشکال پیچیده سلسله مراتبی و نابرابری است که نظم جهان را تهدید می کند نابرابری در دسترسی به اطلاعات و ارتباطات به ویژگی بارز نظم جهانی تبدیل شده است. این نابرابری در دو شکل عمده ظهور یافته است: یکی نابرابری عمده در نظارت و مالکیت ابزارهای ارتباطاتی که در جریان و میزان اطلاعات و ارتباطات نمود می یابد و دومی در نحوه ی تنظیم گفتمان های ارتباطات (یورگنسون، ۱۳۸۶، ۱۴۱) سوال اصلی این جا است که به کسی اخبار و اطلاعات، وقایع مهم، مفاهیم و ارزش های دخیل در تعریف تاریخ قدیم و جدید ما را تعیین می کند؟ در حال حاضر یکی از بزرگترین چالش ها تضمین این امر است که خصوصیت حصری بودن جامعه اطلاعات جای خود را به پذیرا بودن داده است. نبود کنونی دسترسی اکثریتی از جمعیت جهان به اطلاعات که اغلب با عنوان تقسیم دستیابی به آن اشاره می شود. به طور همزمان علت و نتیجه ی توزیع نابرابر ثروت و منبع در جهان است (فرانک یورگنسون، ۱۳۸۶، ۸۱) در کنار پرداختن به این محدودیت ها، گروهی از مفسران مانند هابرماس ترجیح می دهند جامعه ی اطلاعاتی را چیزی خدشه دار تلقی نمایند. یعنی چیزی که

۱۱۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال پانزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۲

احزاب آن را دستکاری و ارایه ی آن را داره می کنند یا که آن را برای ترغیب مردم به نفع مواضع خاصی دسته بندی می کنند. یا که آن را برای خدمت به اهداف خود دستکاری می کنند یا آن را به صورت کالایی قابل فروش، یعنی «تفریح، و سرگرمی» تولید می کنند.

کارکردها و تعاریف دولت الکترونیک را می توان فهرست وارد به شکل زیر طبقه بندی کرد:
-تبادل خدمات (خودسازی خدمات و اطلاعات، خدمات تعاملی، و مدیریت شهروندی مشتری مدار)

-توسعه شهروندی، (مشارکت/ دموکراسی الکترونیکی)

-توسعه و بهبود اقتصادی (مشارکت، جهانی سازی)

-اطلاع رسانی (جهانی سازی، بازاریابی)

یک مثال سنتی و عینی در زمینه ی بهره گیری از ارتباطات الکترونیکی برای اهداف سیاسی، رای گیری الکترونیک است، هر چند که هنوز، فقط در تعداد محدودی از کشورها به طور کامل مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. (محسنی، ۱۳۸۰، ۴۱)

ویژگی اقتصادی

در جهان امروز، اطلاعات جایگاه کالای بازرگانی را به دست آورده است و می توان آن را مطابق با قانون های عرضه و تقاضا، که بر تجارت هر گونه محصولی حاکم است به فروش رساند. در واقع همه کشورهای جهان چه توسعه یافته و چه در حال توسعه به اقتصاد سیاسی اطلاعات مشغول اند. با این حال کشورهای توسعه یافته اطلاعات را بسان دروندادی ضروری برای توسعه تکنولوژیکی و اقتصادی می دانند و به چشم کالای بین المللی قابل معامله و به این نکته معترف اند که اگر کشوری نتواند اطلاعات مورد نیاز شهروندان و صنایع را تامین کند، بخش عمده ای از استقلال خود را از دست خواهد داد این بدان سبب است که اطلاعات را بیگانگان عرضه خواهند داشت (داورپناه، ۱۳۸۴، ۱۰۹) امروزه اطلاعات مهمترین عامل در خلق، تولید و نگهداری توسعه در هر صنعتی است به طوری که مقدار اطلاعات مصرف شده در یک صنعت یا فن آوری نشان دهنده سطح تکنولوژیکی و صنعتی یک کشور است. تولید صنعتی بیش از تولید کالا به تولید اطلاعات گرایش پیدا می کند و صنایع اطلاعات اهمیت بیشتری کسب می کنند. نخستین اشارات بعدی در مورد این که «نوع جدیدی از جامعه» در حال ساخته شدن است، از سوی دانیل بل [Daniel Bell] بود. در واقع وی، نقش اطلاعات را در ایجاد جهش در جوامع صنعتی گوشزد نمود. اگرچه پیش از وی دیگران مفهوم نظام پسا صنعتی را به کار برده بودند، لیکن او بود که این مفهوم را پر آورده کرد. مرحله ی تازه جامعه صنعتی، که از دهه ۱۹۶۰ پیش بینی می شد، بیش از هر چیز بر دانش نظری مبتنی بود. با کاربرد تکنولوژی های جدید اطلاعاتی و ارتباطی که همان کاری را برای توانایی ذهنی می کردند که ماشین در انقلاب صنعتی برای توانایی جسمانی کرده بود، نظام صنعتی تغییر شکل یافت- دانیل بل بعدها گفت این وضع جدید «جامعه اطلاعاتی»

خواهد بود. (لایون، ۱۳۸۰، ص ۶۹) بل با نظری تکامل گرایانه، اعلام می کند که پسا صنعتی گرایی ویژگی مهم قرن ۲۱ ساختارهای اجتماعی ایالات متحده، ژاپن، اروپای غربی و شوروی خواهد بود. حرکت موتور تاریخ به شکل خودکار و توقف ناپذیری به سوی جامعه پسا صنعتی کاملاً در حرکت است. جامعه پسا صنعتی تنها از دگرگونی ساختار اجتماعی به وجود می آید. این دگرگونی شامل اقتصاد، ساختار اشتغال و نظام طبقاتی می شود، اما سیاست و مسایل فرهنگی را مستثنی می کند (وبستر، ص ۵۶) در حالی که در جوامع پیشا صنعتی کارگر کشاورزی در همه جا کمابیش حاضر است و در جوامع صنعتی کار در کارخانه اصل پذیرفته شده است، در جوامع پسا صنعتی کار خدماتی تسلط دارد. اما جایگاه اطلاعات در جامعه پسا صنعتی چیست؟ اطلاعات به طور جدی در هر دوره با سرشت حیات درگیر شده است. زندگی در جامعه پسا صنعتی که بر پایه خدمات بنا شده است بازی بین اشخاص است و آنچه که به حساب می آید، نیروی خام عقلانی یا انرژی نیست بلکه اطلاعات است و ما به کار برای اکثریت مردم اطلاعات است. کار خدماتی مطمئناً کار اطلاعاتی است پس ضرورتاً تسلط شغل های خدماتی به حجم عظیم تری از اطلاعات می انجامد. در چنین جامعه ای نقش متخصصان و مهندسان پر رنگ گشته و به دلیل سه گردش بودن حجم بالای اطلاعات جامعه در معرض دگرگونی های تعیین کننده کیفی نیز هست. (مدیریان، ۱۳۸۴، ۳۵۰)

پیشرفت های اخیر ارتباطات جهانی را می توان از بلند پروازی های ایدئولوژی نئولیبرالیسم دانست که بازار را در وضعی قرار داده است که مصرف کنندگان به طور کلی می توانند بر اساس اطلاعات و داده های کامل دقیق دست به انتخاب بزنند. رشد خصوصی سازی واگذاری املاک دولتی و حذف نظارت دولت بر شرکت های خصوصی با دلایلی نظیر افزایش ابتکار، انعطاف پذیری و روح خطر پذیری و خلاقیت در آنها توجیه می شود. (ویکلن، همان، ص ۱۲) همچنین ایدئولوژی نئولیبرال یکی از جریانات قوی در پیشرفت های فن آوری نوین اطلاعات را کالا شدگی اطلاعات می داند که به واسطه آن اشکالات جدید اطلاعات و سرگرمی ها در بازار گسترش یافته است. برای مثال انبوهی از اطلاعات را می توان روی یک لوح فشرده قرار داد. هر چند این مساله به نقش آموزش و پرورش، کتابخانه ها و نهادهای فرهنگی لطمه زده اما توجیه نئولیبرال این است که این وضعیت از آن جهت به نفع مصرف کنندگان است که امکان انتخاب های متعددی از کالاهای ارزان قیمت (از جمله اطلاعات) را در بازارهای پر مصرف و پر رقابت فراهم می آورد.

به هر حال در نگاه خوش بینانه نئولیبرالیسم بر اثرات مثبت اقتصادی انقلاب اطلاعاتی، فن آوری نوین با گسترش آرمان های آزادی، قرار دادن قدرت های ستمگر در وضعیت تدافعی یا طرد آنها از عرصه ی داد و ستد و کمک به جوامعی که دچار فقر مزمن هستند محیط امنیت بین المللی را بهبود

۱۲۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال پانزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۲

می بخشد. توسعه ی اقتصادی شبکه ای از طریق بزرگراه های اطلاعاتی شکاف بین پروتمند و فقیر را بیشتر و وسیع تر کرده و طبقه فقیر اقتصادی به طبقه فقیر اطلاعاتی امروز تبدیل شده است. توان رقابت کسی در این گردونه افزون تر است که اطلاعات بیشتری داشته باشد. فن آوری اطلاعات ساختار اقتصاد را دگرگون کرده است. زیرا نوع جدیدی از تقسیم کار را مطرح می کند که در نتیجه ان مشاغل از میان می ورد و مشاغل جدیدی پدید می آید و ساختار اقتصادی باید خود را با حوزه های جدید هماهنگ کند. ویژگی های فرهنگی - اجتماعی

در روزگاری نه چندان دور اصل بر پذیرفتن تفاوت میان «ما» و «آنها» بود اما بازیگران به تحمل و بردباری در برابر تفاوت ها فرا خوانده می شدند. عصر جدید ارتباطات فرض را بر اعتبار همه دعاوی درباره حقیقت می گذارد، بدون آن که در چاله ی نسبی گرایی محض بیفتد. در واقع عصر ارتباطات راه را برای کسانی که اقلیت نامیده می شدند و می خواستند صدایشان شنیده شود، هموار ساخته است. این عصر بدون شکل عصر کثرت گرایی فرهنگی و شکل گیری وضعیت چند فرهنگی است. پدیده ی چند فرهنگی مفهومی متناقض نما است. هم بیانگر تنوع است و هم وحدت. تنوع لازمه جهان گستری است، زیرا تجلی دلبستگی های محل و هویت های خاص را مجاز می شمارد. در عین حال مستلزم وحدت است، زیرا ترویج گر مفهوم دهکده ی جهانی است. (رجایی، ۱۳۷۹، ۱۳۲) تکثر گرایی فرهنگی که در پرتو تکنولوژی اطلاعات (شکل گیری شبکه ای از رسانه های دیداری - شنیداری و مکتوب) تحولات عمیقی را در ارزش های فرهنگی و آداب و رسوم ملت ها و اقوام به وجود آورده است و بازاریابی و تشخیص هویت آنها را با دشواریهای تازه ای مواجه نموده است (نویدی، ۱۳۸۸، ص ۴۱) از نظر کاستلز، اهمیت «هویت» در جوامع اطلاعاتی از آن جهت حایز اهمیت است که این امر به عنوان اصل سازمان دهنده جوامع بدل شده است. منظور از هویت عمدتاً فرایندی است که یک کنش گری اجتماعی به وسیله آن خود را می شناسد و عمدتاً بر مبنای یک خصیصه یا مجموعه ای از خصایص فرهنگی معنا را می سازد. (کاستلز، ۱۳۸۰، ۴۸). به طور خلاصه می توان مهم ترین ویژگی فرهنگی عنصر اطلاعات را مانند سایر عرصه ها اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رد تمرکز گرایی و شکل گیری نوع تکثر و یا به اصطلاح بدینامه چند پارگی در مناسبات اجتماعی دانست اگر موجب شکل گیری هویت های گوناگون، نهادهای اجتماعی متنوع، رد فرد گرایی و غربی شدن برای همه ی جوامع، توجه به خرده فرهنگ ها و احترام به آنها شده است. از سویی حوزه ی فرهنگ دستخوش نفوذ گسترده ی اقتصاد شبکه ای قرار گرفته است و به نوعی پدیده های فرهنگی در اثر ترکیب با تکنولوژی اطلاعاتی، جنبه ی مصرفی و کالا وارگی یافته اند.

آموزش در رویکرد پست مدرنیسم

تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو، فردی، محلی و خاص است. فوکو با مبانی مدرنیته در مورد حقیقت و اخلاق مخالف است. از نظر او حقیقت بیرونی، ثابت و جهانی وجود ندارد که بتوان با آن معیاری برای قلمرو اخلاق تعیین کرد. حقیقت و اخلاقی که مدرنیته در مورد آن‌ها ادعای جهان‌شمولی دارد، به اذعان فوکو محصول وضعیت تاریخی مدرن است که مدرنیته با خلق آن قصد اعمال سلطه را دارد. او در این باره می‌گوید: «حقیقت به این جهان وابسته است و به شکل سلطه و اجبار تولید می‌شود. هر جامعه رژیم خاص خود را از حقیقت دارد، حقیقت مانند ثروت تولید می‌شود» (فوکو ۱۹۷۲، ۵۵)

فوکو مخالف هر گونه کلیت و جهان‌شمولی است، به همین دلیل به عقل‌گرایی کانتی به شدت مخالفت می‌ورزد. او همچنین با فرهنگ عقل‌گرای مدرن که خود را یگانه و غالب می‌داند، سخت مخالف است. فوکو اعتقادی به نظام‌های یک‌پارچه و متحدالشکل اخلاقی ندارد. به گفته فوکو «ما باید در مقابل تمایلات مرکزگرایانه مربوط به جهانی کردن تئوریها مقاومت کنیم و به جای آن تحقیق در دانش تحت انقیاد رآمده و محلی و خاص را جایگزین آن کنیم» (سجادی، ۱۳۷۹). فوکو هر نوع کلیت‌گرایی از جمله عقلانیت مطلق، فرهنگ غالب و اخلاق جهانی را نفی می‌کند، اخلاق مدرن از نظر او یگانه‌الگوی واحد اخلاقی نیست و شکل‌های دیگری از اخلاق نیز می‌تواند وجود داشته باشد به گفته فوکو: «هیچ شکلی زندگی اخلاقی نمی‌تواند به مسائل همگان پاسخ دهد، اکنون ناگزیریم به شکل‌های «محلی»، «کوچک» و «جزئی» روی آوریم.» (احمدی، ۱۳۸۴). بنابراین رویکرد فوکو در تربیت اخلاقی فردی، محلی و خاص است. همچنین می‌توان گفت، رویکرد اخلاقی او رویکردی نسبی‌گرا و چندگانه است که نظریات و عقاید اخلاقی گوناگون افراد را وقع می‌نهد.

۱. تربیت اخلاقی فوکو مقاومت‌گرا و سلطه‌ستیز است.

فوکو در کتاب «مراقبت و مجازات» تبارشناسی قدرت را در دستور کار خویش قرار می‌دهد. او در این کتاب توضیح می‌دهد که مجازات‌ها چگونه از حالت تنبیه جسمانی به تنبیه روحی و روانی تغییر شکل داده است، که هدف آن ایجاد بدن‌های مطیع و فرمان‌بردار است و در نهایت منجر به ایجاد انضباط در جامعه می‌شود. به اعتقاد او این نظام کنترل به نهادهایی همچون زندان و مدرسه، ... سرایت می‌کند و قدرت به طور پنهان اعمال می‌شود. «به اعتقاد فوکو قدرت در اشکال سنتی مانند قدرت پادشاه قابل رؤیت است و در ملاعام ظاهر می‌گردد و دائماً به نمایش گذاشته می‌شود، اما قدرت انضباطی این روابط را معکوس می‌سازد» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۸). فوکو همچنین با طرح نظام سراسر بین [Pan - option] در واقع عملکرد خودکار قدرت را بیان می‌کند و نتیجه چنین سیستمی را اطاعت‌پذیری اتوماتیک افراد می‌داند، یعنی هر کس به طریق درونی خود را کنترل می‌کند و دیگر مثل قدیم زور و اجبار ضرورتی ندارد. در واقع فوکو هدفش نشان دادن چهره‌ی پنهان قدرت است، از نظر او مدرنیته

دارای چنین شیوهی عملی است به عقیده‌ی او مهم‌ترین ویژگی جامعه‌ی مدرن این است که نظام قدرت در این جامعه اغلب خود را به شکل علم و حتی رهایی می‌نمایاند.» (حقیقی، ۱۳۷۸). یعنی قدرت همیشه با توجهی علمی اعمال می‌شود فوکو اخلاقی را که معمار مدرنیته یعنی کانت ارائه کرده است، نظامی تحمیلی می‌داند که هدفی جز سلطه ندارد. اخلاق عقلانی مدرن که انسان مدرن آن را پذیرفته و تقدیس می‌کند، در واقع یک جریان تحمیلی و اجباری است (سائول نیومن، ۲۰۰۳). فوکو معتقد است که انسان همواره در چنبره‌ی قدرت اسیر است. «از آن‌جا که مقاومت در برابر قدرت سلطه همواره محلی - [local است، تقابرداری نیز مبنای محلی دارد» (حقیقی، ۱۳۷۸). بنابراین مقاومت‌گرایی و مبارزه با سلطه یکی از مهم‌ترین رویکردهای او برای تربیت اخلاق است.

۲. تربیت اخلاق مورد نظر فوکو دموکراتیک و غیراقتدارگرایانه‌است.

فوکو نظام اخلاقی کانت را نظامی خشک و کلیت‌گرا می‌داند که هدفش یکسان‌سازی اخلاقی به منظور سهولت در اعمال سلطه است. از نظر فوکو در صورت تحقق یافتن کامل اخلاق عقلانی و خود فرمان کانتی شکلی از فریب و سلطه ناشی از قدرت - دانش وجود دارد. «چنین جامعه‌ای در معنای کانتی خودفرمان و آزاد است، اما در حقیقت از آزادی خبری نیست. در چنین جامعه‌ای ما را با فریب توجیه می‌کنند که موجودات آزادی هستیم در صورتی که چنین نیست و ما تحت سلطه و استیلایم» (حقیقی، ۱۳۷۸). فوکو می‌گوید: در چنین نظام اخلاقی که قدرت حاکمیت دارد، چگونه می‌توان سخن از آزادی گفت. او معتقد است: «قدرت همواره محدودیتی برای آزادی بوده و هست و سخن گفتن از اخلاقی مطلق و مستقل که کانت مدعی است، توهم و فریبی پیش نخواهد بود» (سائول نیومن، ۲۰۰۳). دستورالعمل‌هایی ذهنی که کانت به اسم اخلاق منتشر کرده در واقع آزادی انسان را محدود کرده است. به زعم فوکو یک عمل در صورتی می‌تواند یک فرمان اخلاقی و آزاد باشد که از بیرون بر انسان تحمیل نشود و از درون خود انسان بجوشد، یعنی آنچه را فرد انسانها آزادانه و از روی اختیار و با رغبت و تمایل در جهت تربیت نفس انجام دهند، اخلاقی است؛ یعنی عملی اخلاقی است که در شرایطی غیرتحمیلی و آزادانه انجام شود. بنابراین می‌توان گفت، رویکرد فوکو برای تربیت اخلاقی دموکراتیک و غیرمقتدرانه است.

۳. غایت تربیت اخلاقی از نظر فوکو تربیت انتقادی است.

فوکو مهم‌ترین کارکرد فلسفه را هشدار دادن نسبت به خطرات قدرت می‌داند و فلسفه از نظر او چیزی است که سلطه را در همه اشکال سیاسی، اقتصادی و ... زیر سؤال می‌برد (فوکو، ۱۹۸۴). فوکو به خلاف آن که ابتدا پایان انسان را اعلام کرده بود، سرانجام به انسان و نقش اثرگذار او در اجتماع برمی‌گردد؛ البته منظور وی انسان آگاه، روشنفکر و دارای بلوغ فکری است به گفته او «روشنفکر خاص

به خلاف روشنفکر عام، خود را سرمشق خوب نمی‌داند و مدعی جنگ یا بی‌عدالتی نیست و در مقابل کسی است که از توان محدودش برای مبارزه با قدرت استفاده می‌کند» (حقیقی، ۱۳۸۱). فوکو همچنین رسالت فیلسوف را نشان دادن فریبها می‌داند و سعی دارد انسانها را به داشتن نگاهی عمیق و انتقادی برانگیزد. انسانی که گفتمان غالب زمان خویش را بشناسد، گرفتار امواج گفتمانی نخواهد شد چنین فردی به درجات بالایی از آگاهی رسیده است و می‌تواند به نقد بپردازد و فریبها را نشان دهد. در واقع او انسانی فراخ‌اندیش و به دور از جزم‌گرایی است و می‌تواند به نقادی آگاهانه بپردازد. بنابراین رویکرد او رویکردی انتقادی است و تربیت اخلاقی مورد نظر او جنبه‌ی آگاهی بخشی و نقادی دارد.

جهانی‌شدن و آموزش در آرای متفکران ایران

در حالی که در راهبرد اسلامی، توسعه از یک سو متضمن «عمران الارض» است که استفاده بی‌رویه از طبیعت را نفی می‌کند، و از سوی دیگر تعالی و کرامت انسانی را در بر می‌گیرد، جمع بین دنیا و آخرت را تضمین می‌کند و توسعه اقتصادی و فرهنگی را به طور همزمان مورد توجه قرار می‌دهد، می‌توان گفت که سبک زندگی معیار، شاخص و نمادی برای هویت دینی، اعتقادی و ارزشی فرد و جامعه است. با مطالعه نوع معماری، پوشش، اوقات فراغت، نوع استفاده از محتوای رسانه و نوع رسانه، روابط خانوادگی و اجتماعی، موسیقی، ارتباطات شهروندی، دکوراسیون خانه و امثال آن، می‌توان به کیفیت باورها و ارزش‌های افراد پی برد. به تعبیر زیبایی علامه مجلسی، ظاهر، عنوان و نمایشگر باطن است (مجلسی، ۱۴۰۳، جلد ۶: ۳۶۵). در وضعیت کنونی که وضعیت بشر دچار بحران شده، مسائل بی‌پاسخ فراوانی برای انسان مطرح شده است که گفتمان غرب (لیبرال دموکراسی) پاسخی برای آن‌ها ندارد. این وضعیت فرصتی برای بازگشت ادیان است. از این رو می‌توان گفت در شرایط کنونی، «در جهان غرب، بحران تمدن جدید - بحرانی که فرآورده غرب است - به کامل‌ترین وجه، محسوس و مشهود است؛ زیرا با ورشکستگی اجتماعی و بحران زیست‌محیطی مرتبط است. در جهان غرب، راه‌حل‌هایی برای این بحران پیشنهاد می‌شود که مشتمل بر همان اسباب و عواملی هستند که این بحران را موجب گشته‌اند» (نصر، ۱۳۸۵: ۴۲). این وضعیت، موجب سرگشتگی انسان‌ها شده است. این فرصتی است که انسان‌ها به سنت‌های خود باز گردند. چنانچه در غرب، یکی از راه‌حل‌های بحران زیست‌محیطی را بازگشت به فضائل سنتی می‌دانند. در این شرایط، ادیان جهانی در عرصه زندگی احیاء می‌شود. دین اسلام به منزله مکتبی که در آن به مقتضیات زمان توجه شده است، جایگزین مناسبی برای حل بحران‌های کنونی جهان محسوب می‌شود. برخی اندیشمندان بر احیای مجدد ادیان در سطح زندگی بشر صحنه گذاشته‌اند. جف هینس با بیان سابقه جوامع مذهبی فراملی مسیحی و اسلامی پیش از ظهور دولت‌های متمرکز سکولار بیان کرده است: «با این حال، اهمیت سیاسی دین در سیاست بین‌الملل که از آغاز قرن هفدهم

به طور فزاینده‌ای رنگ باخته بود، بار دیگر در اواخر قرن بیستم به مدد فرایند جهانی‌شدن و متعاقب آن، انقلاب ارتباطات به دوران اوج سیاسی خود رسید (هنیس، ۱۳۸۱: ۳۹۰). در این شرایط اسلام نه تنها به سادگی می‌تواند محور اصلی زندگی انسان مسلمان قرار گیرد و انسجام اسلامی را به وجود آورد، بلکه برای تمام بشر، پیام صلح، دوستی، عدالت، امنیت و آرامش را دارد. این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که ادیان به فطرت انسان توجه دارند و «فطرت الهی انسان که پذیرای وعده‌ها و بشارت‌های الهی است، محدود به فضا و زمان خاص نیست. مخاطب ادیان به ویژه اسلام، انسان به ماهو انسان است. گسترش ادیان، حاصل قلمروزدایی از منظر «شولت»، جهانی‌شدن، همان فرایند قلمروزدایی است که اکنون به دوران اوج خود رسیده است. این امر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوانی برای جهانی‌شدن واقعی اسلام در مقابل جهانی‌شدن غیرواقعی و مصنوعی غرب ایجاد می‌کند. «جهانی‌شدن حقیقی بر انسان‌شناسی و فلسفه تاریخ خاص مبتنی است و با هر انسان‌شناسی سازگار نیست. بدون باور به جوهر و غایتی برای انسان یا دست‌نیافتنی دانستن این ذات و جوهر و غایت برای انسان و عدم باور به مبانی این جوهرگرایی که به اصل‌گرایی و خالق‌گرایی برمی‌گردد، نمی‌توان مدعی جهانی‌شدن و عام‌گرایی مرتبط با آن شد» (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۲). در این نگرش، لایه‌های زیرین فرهنگ همچون جهان‌بینی و ارزش‌ها اهمیت بسیار بیشتری دارد و «به میزانی که جهان کنونی به خدا، انسان، ذات و غایت او و به فلسفه تاریخ منبعث از آن و در مرتبت بعدی، اصول اخلاقی و رفتاری منتج از آن باور داشته باشد، می‌توان درباره جهانی بودن واقعی آن داوری کرد» (هنیس، ۱۳۸۱: ۳۸۷).

جهانی‌شدن و بومی‌گرایی از منظر رویکرد جهان محلی شدن! ین دیدگاه، فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده شده و در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره مند و آنها را نیز بهرهمند می‌گردانند. در این رویکرد عرصه فرهنگی جهان، عرصه تحمیل، تسلیم، تهاجم، همگونی و یا گاهی مقاومت مسالمت آمیز نیست، بلکه عرصه داد و ستد، فصل و وصل، همگونی و ناهمگونی و انطباق موقعیتهای محلی با فرایند جهانی‌شدن است. (عبدالهی، ۱۹۶۴ (۲). ۱۳۹۵) از بعد تاریخی، این رویکرد در نظریه دهکده جهانی مارشال مکلوهان مبتنی بر پدیده‌های در حال ظهور دهکده جهانی و تغییرات چشمگیری که با توسعه رسانه‌های الکترونیکی جدید در جوامع سراسر جهان رخ داد، ریشه دارد. حدود ۲۰ سال پس از دهکده جهانی مکلوهان (۱۹۸۳)، مفهوم بازار جهانی رایج و شرکتها، برای ایجاد و فروش محصولات جدید در سراسر جهان، از این بازار استفاده کردند. در سال ۳، بیان کرد که جهانی‌شدن به آن معنا نیست که درخواست برای کنچی اوهمای تولید کالایی جهانی، وظایف محلی‌ها و تولید محصولات محلی را از بین ببرد. از اینرو، در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ رواج یافت و این استراتژیهای جهان محلی شدن، در واقع، وقتی رؤسای شرکتهای اصطلاح شکل گرفت آمریکایی در دفترهای شان صرفاً

دنبال استانداردسازی و تولید کالاهای یکسان بودند. توسط بازاریابان متوجه شدند که محصولات جهانی آنها باید با شرایط فرهنگی و محلی و ارزشهای هر منطقه و کشوری، سازگاری داشته و برای تولید و فروش کالایهایشان، نسبت به آنها احساس مسئولیت کنند. تغییر منوی فستفود بین المللی مکدونالد برای سازش با ذائقه‌های محلی در هر منطقه نشانگر این واقعیت است. جایگاه بومیگرایی در رویکرد جهانمحلشدن: رابرتسون معتقد است که محلی شدن و جهانی شدن به عنوان بخشی از به هم پیوستگی و اتصال جهانی، با هم مرتبط و متحد شده‌اند، به‌گونه‌ای که تجربیات جوامع، جهانشمول شده و بیش از آن، آرزوی منطقه‌های و محلی شدن از یکسو و آرزوی جهانی شدن از سوی دیگر رشد یافته است. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۵) بنابراین، اساساً بومی شدن جزء ویژگی ذاتی این رویکرد است. وقتی یک عنصر فرهنگی عام، در سطحی جهانی، وارد یک فرهنگ خاص می‌شود، ویژگی خاص بودگی آن فرهنگ و اقتضائات محلی را به خود می‌گیرد. به عنوان مثال، دموکراسی به عنوان یک ارزش جهانشمول عام، زمانی که وارد جامعه مذهبی ایران شد معنا و مفهوم آن، از اقتضائات فرهنگ ملی و مذهبی ایران تأثیر پذیرفت. در این رویکرد، جذب و انطباق از فرهنگها، امری یکطرفه نیست، بلکه امری متقابل و دوطرفه است و این بستگی به غنای فرهنگ یک جامعه دارد. (نش، ۱۳۸۲: ۱۱۱). بر اساس این رویکرد، جهانی شدن همواره در چهارچوبی محلی به وقوع می‌پیوندد و نظام آموزشی به عنوان امری محلی، فرایندها و تحولات جهانی را متناسب با چارچوب محلی منعکس می‌کند نظام آموزشی برای بهبود کارایی خود، باید چشم انداز برنامه‌ریزی‌بهایش صرفاً محدود به تحولات داخلی نباشد؛ بلکه با نظر به تحولات جهانی و لحاظ کردن ارزشهای فرهنگی و توجه به تعامل دو امر جهانی و محلی باشد تا دانش‌آموزان توانایی زیستن در این جهان درهم تنیده را داشته باشند. نظامهای آموزشی نیست. محلیگ رای، به الزامات محلی و محیطی در سیاستگذاری علمی و سرمایه گذاری برای آن، تأکید دارد. در این دیدگاه، نظام معرفت برخاسته از نظام هستی شناسی اجتماعی و به کار سامان اجتماع می‌آید.» (موسوی، ۱۳۸۹: ۳۶۱) بنابراین، چهارچوب محلی، به عنوان شیوه‌ای برای بهره‌برداری نظام آموزشی از تحولات جهانی در حیطه تعلیم و تربیت است که باعث زاینده‌گی آن میشود، زیرا در برابر پدیده‌های جهانی، رویکردی منفعلانه و غیرفعال به خود نمی‌گیرد. بروز و ظهور پدیده‌هایی مثل «آموزش و پرورش بینالمللی» و شکل‌گیری مجامع فراملی دانشمندان و دانشگاهیان از طریق گسترش ارتباطات فراملی، محصول این همگرایی فرهنگی جهانی است. (خانیک، ۱۳۹۲) درواقع، این رویکرد سعی می‌کند از طریق جهانی شدن، به ساختارهای کوچک اهمیت دهد و آنها را جهانی کند. این مکتب برای پیشرفت و ترقی جامعه مدنی جهانی و یا جامعه شبکه ای، بهترین

الگو را در مدرسه محوری، مشارکت از پایین، احترام به ذهنیت افراد و خلاقیت آنها می داند که به دنبال ساختار شکنی دولت تمرکزگرا و یکسان ساز است.

بر همین اساس متفکران ایران همچون شبستری و ملکیان با توجه به تأثیرات جهانی شدن و آموزش نوین به موضوعاتی همچون الگوهای سکولاریسم اسلامی پرداخته اند. مفهوم سکولاریسم اسلامی را که در چند دهه اخیر در نظام گفتاری روشنفکران و متفکران رایج شده است، در واقع می توان جزو تأثیرات روشنفکران و تحولات معنایی ایران دانست؛ زیرا این موضوع و موضوعاتی از این قبیل به تدریج جزو زبان و گفتمان بخشی از مردم شد و بالطبع می تواند تأثیرات ساختاری و کارکردی در پی داشته باشد. گرچه واژه سکولاریسم اسلامی را روشنفکران و متفکران ابداع نکرده اند و بیشتر از طرف تحلیل گران و تفکرات آنها به وجود آمده است و گرچه در ظاهر ماهیت تضادگونه دارد، بیانگر برداشت دگراندیشان ایران از اسلام، غرب، مدرنیته و در واقع تأثیر مدرنیته بر اندیشه های متفکران ایران است. اصطلاح سکولاریسم اسلامی بیانگر تحولات مهم فکری و گفتمان در ایران است؛ زیرا از یک طرف بیانگر شکست نظام دینی از متفکران و دگراندیشان و از طرف دیگر گویای نزاع فکری و گفتمانی در اذهان و بینش های متفکران ایران است؛ زیرا بیشتر این متفکران با توجه به ماهیت دین اسلام و قدرت آن در ایران نمی توانند معتقد به سکولاریسم غربی شوند و از طرف دیگر تحت تأثیر شدید این تفکر - و در کل مدرنیته - هستند و از نظر آنها کارآیی دنیوی این نظام بیش از نظام های دیگر بوده است. با توجه به این علل و نیز برخی علل دیگر و با بهره گیری از اندیشه ها و نظریات جدید به خصوص هرمنوتیک، ترکیبی از آموزه های اسلامی و سکولاریسم به وجود آورده اند که به نوعی یک چرخش زبانی و تفهیمی محسوب می شود. اصول و ویژگی های اساسی سکولاریسم اسلامی عبارت است از: ۱. قرائت پذیری های متعدد از سکولاریسم؛ ۲. انفکاک تفسیر از متن در نصوص اصلی اسلام؛ ۳. پذیرش مرجعیت دین در فهم آموزش های دینی، ناظر به زندگی سیاسی؛ ۴. نفی جنبه مقدس و حیاتی آموزه های سیاسی و اجتماعی متون مقدس اسلام؛ ۵. نگرش انسانی به آموزه ها و گزاره های دینی؛ ۶. دیدگاه زمانی به گزاره های دینی؛ ۷. پذیرش مرجعیت عقل و تدوین قوانین و تنظیم زندگی سیاسی و اجتماعی؛ ۸. پذیرش نقش اصلی و بنیادین مردم در حکومت؛ ۹. تقسیم بندی و انفکاک ساختاری گزاره های دینی (۵) و برداشت مفهومی و اهدافی از گزاره هایی همچون عدالت؛ ۱۰. رویکردی سیاسی به سکولاریسم و جدایی دین از دولت.

به نظر مجتهد شبستری امکان بازخوانی و بازسازی دین در دنیای امروز فراهم شده است. از این دیدگاه در نظام بازخوانی و بازسازی شده، هر سه ساحت «شریعت» و «طریقت» و «حقیقت» در دین اسلام باقی می ماند. اما در ساحت شریعت، ترکیب و آرایش جدیدی به وجود می آید. (مجتهد شبستری،

عبدالله نعیم در تبیین نقش گزاره های دینی در دنیای کنونی می گوید:

عقل و تجربه بشری ما را یاری می دهند تا دریابیم که قرآن و سنت، چهارچوب کلی دولت را تحت حکومت قانون و براساس حاکمیت مردم و پاسخگو بودن دولت و دولتمردان تعیین کرده اند. برای اینکه به این رویکرد توجه جدی مبذول گردد، باید روشن شود که این رویکرد مناسب تر از دو الگوی رقیب کنونی است: الف) اعمال قوانین شریعت از سوی دولت اسلامی؛ ب) جدایی کامل اسلام و سیاست. (برگر، ۱۳۸۰: ۱۳۱ و ۱۳۲)

دکتر سروش معتقد است که در این بازسازی، برداشت و فهم جدیدی از دین شکل می گیرد. به اعتقاد طرفداران این دیدگاه چنین برداشتی از خلط ایدئولوژی و دین مصون می ماند و دین را در جایگاه حقیقی خود قرار می دهد و در نتیجه غیر ایدئولوژیک می شود. هدف این دین، معطوف به آخرت و تأمین سعادت اخروی است و دنیا به آن میزانی که به کار سعادت اخروی می آید و برای آن مزاحمت ایجاد می کند، مورد نظر دین واقع می شود و این مقدار از توجه به معنای برنامه ریزی برای دنیا، به معنای امروز کلمه و به معنای مورد نظر ایدئولوژی نیست. (سروش، ۱۳۷۶: ۱۹۸) در واقع سکولاریسم اسلامی به نوعی به سکولاریسم حداقلی معتقد است؛ زیرا به انسان محوری در عصر سیاسی و اجتماعی، جدایی دین از دولت، انفکاک ساختاری نقش ها و اصالت بخشیدن به عقل انسانی معتقد است. اما در زمینه و اهداف، متمایز از دولت های غربی است؛ زیرا باید جهت گیری دینی برای تحقق ارزش های دینی و تحت نظارت آموزه های دینی داشته باشد. ت و بر اساس عنایت به تفاوتها، شرایط را برای احترام به توده ها فراهم می کند. (شکوری، ۱۳۸۹: ۷۴) متفکران دینی برای حفظ دین در دنیای کنونی باید در آن بازنگری کنند تا آن را موافق با ارزش های لیبرال دموکراسی کنند. چراکه وی تنها یکی از ایدئولوژی های ممکن را برای حکومت مردم سالار در ذهن داشته و آن را ملاک داوری خود قرار داده است. برای همین وی معتقد است در راستای تحقق عدالت و آزادی، باید حکومت مردم سالار در جامعه برقرار شود و این امر خود گویای برداشت لیبرالی از حکومت مردم سالار است حال آنکه مردم سالاری قرائت های مختلفی دارد. (مجتهد شبستری، ۱۳۸۰: ۳)

نتیجه گیری

سرمایه گذاری در آموزش و پرورش تأثیرات سرریز بسیاری را بر جامعه گسترده تر ایجاد می کند. مردم از یکدیگر یاد می گیرند. آموزش همچنین بر امنیت (پیشگیری از رفتارهای پرخطر و بزهکارانه)، تعهد اجتماعی، مسئولیت مدنی و کیفیت تصمیمات دموکراتیک تأثیر مثبت دارد. تحقیقات به طور فزاینده ای به نقش آموزش در توسعه سرمایه اجتماعی اشاره می کند (Ciccone و de la Fuente، ۲۰۰۲). این تأثیرات اجتماعی مثبت در زمینه برنامه های ضد فقر جنسیتی واضح تر است. به عنوان مثال، آموزش

بیشتر برای زنان با برنامه ریزی خانواده بهتر و تغذیه، سلامت و آموزش بهتر برای کودکان همراه است. برای عبور از دور باطل فقر و بیماری، برنامه های آموزشی و آموزشی برای دختران و زنان ضروری است. در این زمینه، یونیسف به درستی از تأثیر چند برابری آموزش برای دختران صحبت می کند این اثرات خارجی مثبت دلیل دیگری برای مداخله دولت در آموزش و پرورش است. یکی از دلایلی که باعث می شود بازده تحصیلات عالی در کشورهای در حال توسعه نسبتاً پایین است، به فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به شمال ثروتمند مربوط می شود - پدیده ای که دقیقاً با پیش بینی های تئوری تجارت بین المللی مطابقت ندارد. در بخش اول مقاله، به تئوری مزیت های نسبی اشاره کردیم: هر کشوری در صادرات کالاها و خدماتی که عوامل تولید در آنها بیش از حد وجود دارد، متخصص خواهد شد. رابرت ماندل (۱۹۵۷) نشان داد که تحرک بین المللی عوامل تولید را می توان به عنوان جایگزینی برای تجارت کالا در نظر گرفت و با همان اثر. به طور خاص، این بدان معناست که اگر کشورهای در حال توسعه نیروی کار غیر ماهر و کشورهای ثروتمند دارای تعداد نسبتاً زیادی افراد بسیار ماهر باشند، ما انتظار مهاجرت کارگران غیر ماهر از جنوب به شمال و مهاجرت کارگران بسیار ماهر از شمال به جنوب را داریم. در هر دو مورد، مهاجران با این واقعیت جذب می شوند که در کشور میزبان، حقوق نسبتاً بهتری نسبت به کشورهای خود دریافت می کنند، زیرا در آنجا نسبتاً کمیاب هستند. آموزش و پرورش می تواند با آموزش کاربرتکنولوژی مؤثر در جهت عدم وابستگی اقتصادی کشور به بیگانگان برآورد و در نتیجه کشور به توسعه همه جانبه نائل آید. به روش صحیح و کارآمد در جلوگیری از انحطاط فرهنگی در کشور قدیمی مؤثر برآورد که این مهم خود می تواند عاملی مؤثر در توسعه همه جانبه کشور عزیزمان ایران باشد. همچنین افراد عملاً می توانند با رعایت حقوق دیگران و احترام به ایشان به آموزش و پرورش خود آموزش دهند. در این زمینه کمک نمایند که این مورد باعث پیشرفت و رشد همه جانبه کشور در آینده خواهد شد. آموزش و پرورش از فرهنگ گذشته کشور در جهت ساخت فرهنگی نو کارآمد اقدام نماید که این عامل خود امری مهم در توسعه جامعه خود خواهد بود. نیز آموزش و پرورش می تواند با ایجاد روحیه مشارکت جویی و مسئولیت پذیری در دانش آموزان آنها را برای کشور مفید و کارآمد تربیت کند که این خود نوسازی و پیشرفت همه جانبه کشور امری مؤثر خواهد بود. آموزش و پرورش می تواند با تربیت به روش صحیح و کارآمد دانش آموزان از انحطاط فرهنگی در کشور جلوگیری نماید و این خود می تواند عاملی مؤثر در توسعه همه جانبه کشور عزیزمان ایران باشد. آموزش و پرورش در امر تألیف کتب باید به نحوی عمل نماید که مباحث فرهنگی و اجتماعی باعث افزایش اطلاعات دانش آموزان در این زمینه شود که این مطلب می تواند گامی مؤثر از راه پیشرفت و رشد همه جانبه کشور شود. آموزش و پرورش می تواند با افزایش آگاهی های سیاسی معلمان از طریق ایجاد دوره ها در کنار آگاهی های علمی گامی بسیار مؤثر در راه توسعه همه جانبه کشور برآورد می توان به این نتیجه رسید که آموزش و پرورش با ایجاد فعالیت های فوق

برنامه در افزایش آگاهی‌های سیاسی شاگردان گام بردارد که این مهم می‌تواند در رشد و سیاسی همه‌جانبه کشور مؤثر باشد.

آموزش و پرورش با ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموزان و اولیا ایشان برای حضور فعال در عرصه‌های سیاسی کشور گامی مؤثر در راه پیشرفت سیاسی کشور و رشد همه‌جانبه آن بردارند. مسئولان آموزش و پرورش می‌توانند با توزیع برابر امکانات و تجهیزات آموزشی در تمامی مناطق کشور بین دانش‌آموزان در راه رشد تمامی استعدادها بکوشد که این خود می‌تواند در راه توسعه همه‌جانبه کشور عاملی مهم بشمار آید. اگر مسئولان نظام تصمیمی جدی و واقعی در مورد رسیدگی و توجه به امور معیشتی و رفاهی معلمان و رفع مشکلات ایشان که فکر ایشان را مشغول داشته است بکنند آن‌ها می‌توانند با راحتی خیال و فکر به امر آموزش دانش‌آموزان که آینده‌سازان فردای جامعه ایرانی هستند و به نحوی برای تربیت آن‌ها تلاش کنند تا بتوانند آینده پیشرفته و بلندمرتبه را برای کشور نوید دهند. همچنین باید خاطر نشان کرد که رهبران و مسئولین نظام و جامعه با مدنظر قرار دادن اینکه پیشرفت و رشد جامعه میسر نمی‌شود مگر با رشد آموزش و پرورش و تربیت افرادی کارآمد و ماهر برای در دست گرفتن چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و... جامعه که این مهم خود می‌طلبد که سرانه بیشتری از درآمد کشور را به بخش آموزش و پرورش اختصاص می‌دهند تا ان شاء الله با خواست خدا بتوانیم به رشد و توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور دست یابیم. جهانی شدن اصطلاحی است که برای توصیف تغییرات جوامع و اقتصاد جهانی که در نتیجه افزایش چشمگیر مبادلات تجاری و فرهنگی ایجاد می‌شود، استفاده می‌شود. جهانی شدن امروزه نه تنها در زمینه های اقتصادی، تجاری و فناوری، بلکه در آموزش نیز یک روند است. جهانی شدن نشان دهنده «ارتباط بین فناوری‌ها» است. این فناوری ها به سرعت جهان را به یک "دهکده جهانی" تبدیل کرده اند. هیچ کشوری نمی‌تواند در انزوا زندگی کند بدون اینکه به دنبال تأثیر روندهای جهانی و تغییر در همه زمینه های زندگی باشد. آموزش مهمترین ابزار توسعه ملی است؛ بنابراین این عصر دانش تأثیر زیادی در آموزش دارد. آموزش معلمان مغز همه رشته های آموزشی است زیرا آموزش را برای تربیت معلمان آینده ارائه می‌دهد. همچنین مادر همه حرفه هاست. مانند سایر مشاغل، جهانی شدن نیز بر آموزش معلمان تأثیر می‌گذارد.

منابع و مأخذ

- ایکنبری، جی. جان. (۱۳۸۸) جهانی‌شدن به عنوان سلطه آمریکا، از کتاب نظر یه های جهانی‌شدن. دیوید هلد و آنتونی مک گور. مسعود کرباسیان. تهران: نشر سرچشمه.
- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن و فرهنگ. محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۶) ظرفیت سنجی دین نسبت به مفاهیم سیاسی مدرن، ظرفیت-سنجی دین نسبت به مفاهیم سیاسی مدرن؛ مجله علوم سیاسی ش ۳۸، تابستان
- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جهانیان، رمضان و مریم یعقوبیان. (۱۳۹۱). سیاست های مدیریت بر آموزش در عصر جهانی‌شدن
- فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال هشتم. شماره ۲۱.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۵.
- سیسمیک، تیموتی، ۱۳۷۹ اسلام و دموکراسی، ترجمه شعبانعلی بهرامپور و حسن محدثی، تهران، نی،
- شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۰ دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران، نشر مرکز،
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۷۲. درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر،
- فوکو میشل. ۱۳۸۵.. دیرینه شناسی دانش. ترجمه سرخوش و جهان‌دیده. تهران: نی
- فوکو میشل. ۱۳۸۷. تولد زیست سیاست. ترجمه نجف زاده. تهران: نی.
- فیرحی، داود، ۱۳۹۱. فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران: نشر نی،
- قادری، حاتم، ۱۳۸۹. اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت،
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). وضعیت پست مدرن. حسینعلی نوروزی. تهران: نشر گام نو.
- مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۸۱. ، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو،
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی منظومه پساملی. کمال پولادی. تهران: نشر مرکز.

- Fullan, M. G., (۱۹۹۳). Why Teachers Must Become Change Agents, Educational Leadership Vol. ۵۰ No. ۶,
- Gallagher, T. (۲۰۰۵). Mediating Globalization: Local Responses to Political and Economic Pressures, British Educational Research Journal, Vol. ۳۱, No. ۱
- Herbert, McNergney, Robert F. and Joanne M. (۲۰۰۱) Foundations of Education: The Challenge of Professional Practice Boston Allyn and Bacon.
- Linda Darling-Hammond, John Bransford Preparing Teachers for a Changing World: What Teachers
- Should Learn and Be Able to Do, Jossey Bass Publishers ۹۸۹ Market Street San
- Francisco, www.josseybass.com.
- O'Sullivan, E. (۲۰۰۸). Finding our Way in the Great Work. Journal of Transformative Education,
- Tikly, L. (۲۰۰۱). Globalization and Education in the Postcolonial World: Towards a Conceptual Framework. Comparative Education, Vol. ۳۷, No. ۲ Pp. ۱۵۱ - ۱۷۱.
- UNESCO, (۱۹۹۶) Learning: the Treasure within Report to UNESCO of the International Commission on Education for the ۲۱st Century (Chair: J. Delors) Paris: UNESCO.
- T. Friedman The lexus and the olive tree (Anchor Books, New York, ۱۹۹۹).
- . L. Tikly Globalisation and education in the postcolonial world: Towards a conceptual framework, Comp Ed, ۳۷(۲), ۱۵۶ (۲۰۰۱).
- C. Tilly, Past, present, and future globalizations (Teachers College Press, New York, ۲۰۰۴).
- Pennycook Global Englishes and transcultural flow (Routledge, New York, ۲۰۰۶).
- Welmond, M. (۲۰۰۲). Globalization Viewed from the Periphery: The Dynamics of Teacher Identity in the Republic of Benin. Comparative Education Review, Vol. ۴۶, No. ۱

۱۳۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال پانزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۲

- World Conference on EFA, Jomtien, (۱۹۹۰).
.http://www.unesco.org/en/efa/the-efa-movement/jomtien۱۹۹۰/
- Yang, B. (۲۰۰۴). Holistic Learning Theory and Implications for Human Resource Development, *Advances in Developing Human Resources*, ۶, ۲۴۱. SAGE, online version.

فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی
<https://sanad.iau.ir/journal/jearq>